

## برساخت اجتماعی طلاقِ پسانت؛ مطالعه‌ی کیفی زنان متقاضی طلاق در شهر طبس (۱۴۰۰-۱۴۰۲)

احمد کلاته ساداتی (دانشیار جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران، نویسنده مسئول)

asadati@yazd.ac.ir

زینب صبوچی گلکار (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران)

zeinab.saboochi98@gmail.com

### چکیده

طلاق، همچنان مسئله‌ی اجتماعی کشور است. برخلاف رویکردهای نظری و تحقیقاتی گذشته، به نظر می‌رسد که افزایش طلاق، بسترمند و مبتنی بر دلالت‌های اجتماعی متفاوت باشد. هدف تحقیق حاضر، کشف و واکاوی این موضوع، در میان زنان متقاضی طلاق در شهر طبس است. مطالعه از اسفند ۱۴۰۰ تا خرداد ۱۴۰۲ به روش کیفی و ضمن مصاحبه با ۲۴ مشارکت‌کننده که به صورت هدفمند انتخاب شدند، انجام گرفت. تحلیل داده‌ها به روش نظریه زمینه‌ای انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری طلاق، تزلزل چندبعدی خانواده و خودمحوری است و عوامل زمینه‌ای شامل فروپاشی حرمت‌های مفروض، بروز تعارضات و اقدامات قانونی می‌باشد. عوامل مداخله‌ای نیز به تسهیل طلاق، هراس‌گریزی و ضعف مشاوره اشاره کرد. پدیده‌ی مرکزی، عبارت است از **طلاقِ پسانت** که نشان‌دهنده زانۀ شدن طلاق و غالب شدن دلایل زانۀ بر این امر در بستر جامعه ایران می‌باشد. طلاقِ پسانت گویای کم‌رنگ شدن دلایل و آسیب‌های گذشته در تقاضای طلاق است، مضافاً که باورها و هنجارهای زنان نسبت به موضوع خانواده و سازوکار آن در حال تغییرات بنیادین است. زنان، در حال بازتولید مفاهیم جدیدی از خانواده هستند که هویت و نقش سنتی و سازوکارهای آن در خانواده را به چالش

کشیده و تعاریف جدیدی از نقش، حقوق و انتظارات زنان را به همراه دارد. تعاریفی که ورای مرزهای مرسوم خانواده است. موضوعی که مهمترین مسئله خانواده در جامعه امروز ایران است.

## واژگان کلیدی: خانواده، زنانه شدن، خودمحوری، طلاق پساست

### ۱. مقدمه

خانواده به عنوان بنیادی‌ترین نهاد فرهنگی و اجتماعی، پایدارترین اثرگذاری را بر اعضای خویش دارد، به گونه‌ای که نگرش‌ها، رفتارها، باورها و عواطف افراد عمیقاً تحت تاثیر بستر خانواده است (آماتو<sup>۱</sup>، کیت<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱). خانواده همچنین مهمترین عامل جامعه‌پذیری اعضای جامعه محسوب می‌شود، اگر در بنیان‌های این نهاد اجتماعی، خللی ایجاد شود و یا از هم کاسته شود جامعه با مشکلات عدیده‌ای رو به رو خواهد بود. (قدرتی، حسنی ۱۷۱: ۱۳۹۴).

در دهه‌های گذشته خانواده به شکلی فزاینده در معرض تهدید قرار گرفته است و به تدریج با تنزل کارکردهای زیستی، اجتماعی، شناختی، عاطفی خانواده، اعضای آن نسبتاً احساس رضایتمندی خود را از دست داده‌اند. کاهش تدریجی رضایتمندی اعضای خانواده، ابتدا موجب گسستگی روانی و سپس گسستگی اجتماعی و مواردی نظیر افزایش طلاق گردیده است (فاتحی دهقانی، نظری ۱۴: ۱۳۹۰). طلاق مهم‌ترین شاخصه آشفتگی زوجین و تبلور آسیب عمیق ازدواج و خانواده است (آماتو، ۲۰۰۱). رضایت زناشویی به آسانی قابل دستیابی نیست و اکثر زوجینی که از هم جدا شده‌اند و یا طلاق می‌گیرند ابتدا، یک دوره آشفتگی رابطه را تحمل و سپس به جدا شدن فکر می‌کنند. بنابراین طلاق فرایندی است که با توجه به بحران عاطفی هر دو زوج شروع

می‌شود و با تلاش برای حل تعارض از طریق ورود به موقعیت جدید با نقش و سبک زندگی جدید خاتمه می‌یابد ( گاتمن<sup>۳</sup> ۱۹۹۳ به نقل از کشاورز افشار، قنبریان، اسکندری، سعیدی ۳۳: ۱۳۹۸).

طلاق در ابتدا یک پدیده روانی- اجتماعی است، زیرا بر تعدیل روانی نه تنها دو انسان بلکه فرزندان، بستگان، دوستان و نزدیکان آنان اثر می‌نهد. دوم آنکه پدیده‌ای است اقتصادی چرا که به گسست خانواده به عنوان یک واحد اقتصادی می‌انجامد و برهم خوردن تعادل روانی انسان‌ها اثرات سهمگینی را در حیات اقتصادی آنان فراهم می‌سازد. سوم آنکه طلاق پدیده‌ای است مؤثر بر تمامی جوانب جمعیت در یک جامعه. زیرا از طرفی بر کمیت جمعیت تاثیر می‌نهد، چراکه تنها واحد مشروع و اساسی تولید مثل یعنی خانواده را از هم می‌پاشد؛ از طرفی دیگر بر کیفیت جمعیت اثر دارد چون موجب می‌شود فرزندان محروم از نعمت‌های خانواده تحویل جامعه داده شود. چهارم آن که طلاق یک پدیده فرهنگی است. از دیدگاهی دیگر طلاق یک پدیده ارتباطی است. در جامعه‌ای که فاقد ارتباط سالم، درست و طبیعی است، پیوند یا رابطه زناشویی نیز از این امر مستثنی نیست، پیوندهای ازدواج به زودی برقرار می‌شوند و به زودی قطع می‌گردند (ساروخانی، ۳: ۱۳۷۶).

مروری بر وضعیت طلاق‌های قانونی بر اساس اطلاعات سالنامه کشور و گزارش وضعیت اجتماعی و فرهنگی کشور نشان می‌دهد که تعداد طلاق در کشور از حدود ۶۰ هزار مورد در سال ۱۳۸۰ به ۹۴ هزار مورد در سال ۱۳۸۵ و ۱۴۳ هزار مورد در سال ۱۳۹۰، ۱۷۵ هزار مورد در سال ۱۳۹۵ و ۱۸۴ هزار مورد در سال ۱۳۹۹ و ۲۰۱ هزار مورد در سال ۱۴۰۰ افزایش پیدا کرده است. افزایش آمار طلاق از رشد برخی آگاهی‌های اجتماعی و وقوع برخی تغییرات در جامعه خبر می‌دهد که می‌توان به خروج عقل جمعی از فهم سنتی، علاقه‌مندی به دستیابی به حقوق فردی و اجتماعی، پذیرش طلاق و مواردی دیگر اشاره کرد (تنهایی، شکرپیگی و شکرپیگی، ۱۳۸۷). نتیجه این امر، این است که ازدواج‌ها بیشتر در معرض طلاق و خانواده‌ها بیشتر در معرض از هم پاشیدگی قرار گرفته‌اند (سرای، ۱۳۸۵).

پژوهش‌های زیادی در زمینه طلاق انجام شده است اما نکته مهم کیفیت و دلایل فرایند طلاق است. یعنی طلاق پدیده‌ی مقطعی نیست که به‌طور ناگهانی روی دهد، بلکه فرایند یا فرایندهایی در متن خانواده جریان دارد که در شکل‌گیری طلاق و تصمیم نهایی فرد تأثیرگذارند. بنابراین شناخت این فرایندها برای شناخت پدیده طلاق اهمیت دارد این شناخت امکان مداخله به موقع به منظور پیشگیری از طلاق را برای هریک از زوجین، خانواده‌های زوجین، روانشناسان و مددکاران در سطح خرد و برای جامعه‌شناسان و سیاست‌گذاران در سطح کلان فراهم می‌کند. (فولادیان و شجاعی قلعه‌نی ۲۳۲: ۱۳۹۹). لذا با توجه به مشاهده تغییرات و تأثیرگذاری آن بر نهاد خانواده، و افزایش آمار طلاق و اهمیت روزافزون پژوهش‌های کاربردی در مورد پدیده طلاق برای اعمال مداخلات و سیاست‌گذاری‌های لازم در جهت حفظ بنیان خانواده و کاهش طلاق بر آن شدیم تا به صورت‌بندی طلاق بپردازیم، هدف تحقیق حاضر واکاوی موضوع در میان زنان متقاضی طلاق است. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که صورت‌بندی طلاق در بستر در حال تغییر چگونه است؟ و پرسش‌های فرعی‌تر این پژوهش آن است که چه شرایط علی موجب اقدام به طلاق می‌شود؟ با توجه به تغییرات جامعه آیا علل جدیدی نیز در این فرایند مطرح است؟

## ۲. چارچوب مفهومی

در این تحقیق، از نظریه‌های روابط اجتماعی، شبکه، مبادله و تصورات اجتماعی استفاده شد.

### روابط اجتماعی

مارک نپ<sup>۴</sup> برای روابط اجتماعی چرخه‌ای را تعریف می‌کند که نام آن را چرخه حیات روابط اجتماعی گذاشته است. وی معتقد است شکل‌گیری و سپس خاموشی روابط اجتماعی در چرخه‌ای قرار دارد که از لحظه‌ای آغاز شده و سپس رشد می‌کند و به اوج می‌رسد. خیلی از روابط اجتماعی در همین اوج ادامه یافته اما برخی از روابط

اجتماعی ناگهان رو به افول گذاشته و به تدریج به تضاد و تنش و خاموشی می‌گرایند. هر کدام از اوج‌گیری و خاموشی روابط اجتماعی، در پنج مرحله اتفاق می‌افتد. اولین مرحله افتراق است. هنگامی اتفاق می‌افتد دو طرف رابطه یا یک نفر از آن‌ها احساس کند که رابطه او با دیگری، او را محدود و مبحوس کرده است از این رو تصمیم می‌گیرد که خود را از این قید برهاند. مرحله دوم محدود کردن است که در این مرحله طرفین تعداد دفعات ارتباطات خود را کاهش می‌دهند و دیگر اشتیاقی برای برای ارتباط با طرف دیگر نشان نمی‌دهند. مرحله سوم مرحله بی‌رو شدن رابط و توقف رابطه است که بیانگر افزایش تخریب و تباهی رابطه است اما طرفین بنا به دلایلی سعی در نگهداشت مجدد رابطه دارند مانند امور اقتصادی و مالی یا بخاطر فرزندان. چهارمین مرحله پرهیز از یکدیگر است که طرفین با گریز از یکدیگر سعی در کاهش ناراحتی‌های خود دارند و اغلب جدایی جسمی شکل می‌گیرد. و در نهایت مرحله جدایی که هر چقدر رابطه دیرپاتر و ارشمندتر باشد به همان میزان، جدایی سخت‌تر خواهد بود (فرهنگی، ۱۶۹: ۱۳۷۸).

## شبکه

طبق نظر الیزابت بات<sup>۵</sup>، روابط اجتماعی خانواده با جامعه حالت شبکه دارد؛ یعنی هر خانواده با تعدادی از افراد جامعه در تماس است. شبکه روابط بعضی از خانواده‌ها شبکه متصل است؛ یعنی افرادی که خانواده با آن‌ها معاشرت دارند، معاشرتی خانوادگی است، اما شبکه روابط بعضی دیگر از خانواده‌ها شبکه پراکنده یا منفصل است، لذا چگونگی تقسیم نقش‌های خانوادگی به نوع شبکه اجتماعی خانواده مربوط می‌شود (اعزازی ۱۲۳: ۱۳۸۷). خانواده‌هایی که تقسیم نقش آن‌ها سنتی است، شبکه روابط آن‌ها متصل است. یعنی دوستان، آشنایان و همسایگان این خانواده‌ها یکدیگر را می‌شناسند و به آن‌ها در امور خانگی کمک می‌نمایند، اما زن و شوهری که به صورت مشارکتی با یکدیگر زندگی می‌کنند، دارای شبکه اجتماعی پراکنده هستند؛ به این معنا که دوستان و آشنایان به زندگی شخصی آنان راه ندارند و همین امر سبب می‌شود، در صورت نارضایتی زمینه برای گرایش به

طلاق فراهم شود، اما آنگاه که روابط خویشاوندی، شبکه روابط متصل را ایجاد می‌کند، چون زوجین علاوه بر همسر می‌توانند به خویشاوندان اتکا داشته باشند، کمتر زمینه برای گرایش به طلاق فراهم می‌شود. از این جنبه می‌توان گفت مراددهای خویشاوندی می‌تواند به عنوان یک متغیر در ربط با گرایش به طلاق باشد. (مختاری، میرفردی، محمودی ۱۴۵: ۱۳۹۲). نظریه مذکور، جایگاه خانواده را به عنوان شبکه‌ای درون‌گروهی و برون‌گروهی از روابط و تعاملات اجتماعی که به استحکام خانواده، فرد و در سطحی کلی‌تر نظام اجتماعی کمک می‌کند، مورد توجه دارد.

## مبادله

انسان‌ها همراه در زندگی خود با دیگران در ارتباط متقابل هستند و سعی می‌کنند در این ارتباط برای خود نفعی به دست آورند. طبق نظریه مبادله، افراد در مبادله، پاداش‌ها و هزینه‌های ناشی از تبادل را محاسبه می‌کنند و با محاسبه سود و زیان آن، اگر رابطه جذاب باشد وارد آن می‌شوند و گروه‌های دو یا چند نفری تشکیل می‌دهند. زمانی که رابطه مبادله‌ای برقرار گردید، افراد سود و پاداش‌های درون‌ذاتی مانند عشق، محبت احترام و برون‌ذاتی مانند پول، کار جسمانی را مبادله می‌کنند، اما از آنجایی که انسان‌ها نمی‌توانند پاداش‌های برابر به یکدیگر دهند، در نتیجه کسی که پاداش‌های مورد انتظار رادریافت نکند، احساس زیان در مبادله می‌نماید و به گسست رابطه روی می‌آورد (ریتزر<sup>۶</sup>، ۲۰۰۷). طبق این نظریه، زنان به علت تحقق نیافتن انتظاراتشان از خانواده، اقدام به طلاق می‌کنند.

## تصورات اجتماعی

جودله<sup>۷</sup> (۱۹۸۹) در رابطه با تصور می‌گوید: تصور مانند یک شکل دانستنی قابل اجرا می‌باشد که فاعل را با موضوعی می‌پیوندد. این پیوند توسط کنش صورت می‌گیرد. کنش نیز عمل کردن نقش انسان در جامعه است.

پس تصور اجتماعی می‌تواند وسیله‌ای باشد که توسط آن کنش انسان راهدایت کرده، موقعیت او را در جامعه و در نتیجه عکس العمل انسان در رابطه با مسائلی که در جامعه با آن رو به رو می‌شود را مشخص می‌کند (دویس<sup>۸</sup> و پالموناری<sup>۹</sup> ۱۹۸۶) زمانی که ما با محیط اطراف خود ارتباط برقرار می‌کنیم، به دنبال آن، ارتباط تصورات اجتماعی را می‌سازد و سپس تصورات اجتماعی، روابط بین انسان‌ها را هدایت می‌کند. در واقع، هر تصویری، رفتاری را در پی خواهد داشت. این است که تصورات، چگونگی ارتباط ما را نیز کنترل می‌کند. به همین ترتیب تصوراتی که انسان‌ها از پیامدهای طلاق دارند از نظر برخی بسیار ناگوار و از نظر برخی دیگر چندان ناگوار هم نیست و این تصور گرایش هر فرد را به طلاق، متفاوت از دیگری تعیین می‌شود. (فاتحی دهقانی و نظری ۲۸: ۱۳۹۰)

## ادبیات تحقیق:

مروری بر ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که مطالعاتی در زمینه فرایند و شکل‌گیری طلاق انجام شده است که در مطالعات داخلی این پژوهش‌ها عوامل علی، مداخله‌ای، زمینه‌ای و پیامدهای متفاوتی را برای بررسی فرایند طلاق اشاره کرده اند (جدول ۱).

جدول ۱. پیشینه داخلی پژوهش

مشخصات پژوهش‌های داخلی	حسینی و کلانتری (۱۴۰۱)	رضایی نسب ۱۴۰۰	خجسته مهر، بهمئی، سودانی، عباس پور (۱۳۹۹)	احدی، عبدالهی، تاجری، علی زاده (۱۳۹۹)	آخوندی و همتی (۱۳۹۸)	شاه بختی، شفیعی آبادی، حسنی، جاجرمی (۱۳۹۸)	قدرتی و حسنی (۱۳۹۴)
	فرایند تصمیم‌گیری برای طلاق در دوران کرونا: یک مطالعه‌ی گراند تئوری	شکل‌گیری طلاق در بین زنان مطلقه شهر ایلام	تبیین فرایند شکل‌گیری طلاق یک پژوهش کیفی	تدوین الگوی مفهومی عوامل شکل‌دهنده طلاق در پنج سال اول زندگی: یک مطالعه داده بنیاد	زمینه‌ها مطالعه زمینه و بسترهای شکل‌گیری فرایند طلاق مورد مطالعه: شهر مشهد	طراحی مدل مفهوم خانواده در زوجین متقاضی طلاق بر اساس نظریه داده بنیاد	باز سازی معنایی تجربه فرایند منتهی به طلاق در میان زنان مطلقه شهر مشهد با استفاده از رویکرد نظریه مبنایی

<p><b>شرایط علی</b></p> <p>افزایش تعاملات زوج در دوران کرونا، عوامل اقتصادی (تعطیلی مشاغل و نبود شغل در کرونا)، عوامل اخلاقی - رفتاری (الگوی ارتباطی نا سالم)</p>	<p>شرایط تنش زا</p>	<p>ازدواج نامطلوب، خشونت، پیمان شکنی زناشویی و ارتباط ناکارآمد</p>	<p>پیشایندهای فردی و تعاملی</p>	<p>سردی در روابط زناشویی، عوامل شخصیتی، پنهان کاری، عدم بهبود زندگی، تغییرات منفی، سوطن، حس به خیانت، اشتباه در تعیین مصداق و افشای دروغ</p>	<p>دگرگونی ساختاری و ایدئولوژیکی خانواده، تحولات خانواده، مسائل فرهنگی و مسائل اقتصادی</p>	<p>ارتباط فرازناشویی، مصرف رسانه‌ای، ارتباطات ابزارمند، شکاف بین مطالبات و امکانات، عدم تشابه عادت‌ها</p>
<p><b>شرایط زمینه ای</b></p>	<p>عوامل تربیتی و فرهنگی و اجتماعی (نبود آمادگی لازم برای ازدواج) و عوامل اقتصادی (فقر، گرانی، بیکاری)</p>	<p>خانواده ناکارآمد، موقعیت اقتصادی و اجتماعی و مشکلات جنسی و روانی و پزشکی زوجین</p>	<p>موانع طلاق را فردی، اجتماعی و خانوادگی و راهبردها مقابله با موانع راهبردهای راه حل آفرین و مشکل آفرین</p>	<p>زمینه‌ها و بسترهای روانی، شخصیتی، خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی</p>	<p>نابسامانی خانوادگی، عدم وجود تعامل اظهاری، داشتن تعاملات ابزار، بی‌توجهی به بعد پیامدی دین</p>	<p>بستر فرهنگی مردسالار، میزان دریافت حمایت‌های اجتماعی برای زن</p>
<p><b>شرایط مداخله ای</b></p>	<p>آسیب‌های اجتماعی (اعتیاد) و عوامل روانی (طلاق عطفی، ترس‌ها، استرس‌ها و اضطراب‌ها) و عوامل اخلاقی و رفتاری (خشونت و عدم تعهد و پایبندی) راهبردهای بکار گرفته شده: عوامل روانی و عوامل اخلاقی رفتاری</p>	<p>ضعف راهبردهای مقابله‌ای زوجین، عوامل فرازوجی موثر بر طلاق، و باورهای ناکارآمد</p>	<p>عوامل خانوادگی و فرهنگی - اجتماعی</p>	<p>دخالت اطرافیان، ازدواج اجباری، نارضایتی والدین در ازدواج، شفاف‌سازی حقایق، ناکامی در آرزوها، تصمیم برای جدایی، تنش در خانواده، تعهد، قبح طلاق، هراس، تلاش برای حفظ زندگی، بخشش و اعتقاد به تحصیلات دانشگاهی</p>	<p>عدم برخورداری از مهارت زندگی، فرهنگ نادرست از تکنولوژی مدرن و عدم تفکیک حوزه خصوصی و عمومی خانواده</p>	<p>خاستگاه فرهنگی - اجتماعی، میزان استفاده مرد از رسانه‌های نوین</p>
<p><b>پیامد</b></p>	<p>پیامد بکارگیری راهبرد: سست شدن پیوندهای عاطفی و وابستگی، متارکه زوج، تصمیم‌گیری قطعی برای جدایی و جدایی از فرزند</p>	<p>در سطح فردی، خانوادگی، اجتماعی</p>	<p>فردی خانوادگی و اجتماعی - فرهنگی</p>	<p>ننگ مهر طلاق، تحلیل رفتگی، رهایی از استرس و ایجاد سبک زندگی</p>	<p>اجتناب ناپذیری طلاق، آسیب‌های طلاق و از دست دادن حمایت خانوادگی</p>	<p>اشاره نشده است</p>
<p><b>پیامد</b></p>	<p>فرسایش سرمایه اجتماعی، داغ خوردن از سوی جامعه، احساس تنهایی، بی‌اعتمادی به جامعه، تغییر در باورهای ماورایی و معنوی، مواجهه با پیشنهاد برقراری روابط فرازناشویی</p>	<p>فرسایش سرمایه اجتماعی، داغ خوردن از سوی جامعه، احساس تنهایی، بی‌اعتمادی به جامعه، تغییر در باورهای ماورایی و معنوی، مواجهه با پیشنهاد برقراری روابط فرازناشویی</p>	<p>فرسایش سرمایه اجتماعی، داغ خوردن از سوی جامعه، احساس تنهایی، بی‌اعتمادی به جامعه، تغییر در باورهای ماورایی و معنوی، مواجهه با پیشنهاد برقراری روابط فرازناشویی</p>	<p>فرسایش سرمایه اجتماعی، داغ خوردن از سوی جامعه، احساس تنهایی، بی‌اعتمادی به جامعه، تغییر در باورهای ماورایی و معنوی، مواجهه با پیشنهاد برقراری روابط فرازناشویی</p>	<p>فرسایش سرمایه اجتماعی، داغ خوردن از سوی جامعه، احساس تنهایی، بی‌اعتمادی به جامعه، تغییر در باورهای ماورایی و معنوی، مواجهه با پیشنهاد برقراری روابط فرازناشویی</p>	<p>فرسایش سرمایه اجتماعی، داغ خوردن از سوی جامعه، احساس تنهایی، بی‌اعتمادی به جامعه، تغییر در باورهای ماورایی و معنوی، مواجهه با پیشنهاد برقراری روابط فرازناشویی</p>



جدول ۲. پیشینه خارجی پژوهش

پژوهش گر	سال	روش پژوهش	عنوان پژوهش	نتایج
هریس <sup>۱۰</sup> ، فنسک <sup>۱۱</sup> ، بائر <sup>۱۲</sup> ، دیک <sup>۱۳</sup>	۲۰۲۲	کیفی	تاثیر هویت بر تصمیم‌گیری طلاق: مطالعه نظریه مبنایی	نتایج آن‌ها یک رویکرد تئوری زمینه‌ای را برای درک فرایند درباره طلاق و نقشی که هویت فرد ممکن است در فرایند تصمیم‌گیری ایفا کند، ارائه کرد. شرکت کنندگان جنبه‌های مختلفی از هویت خود را در نظر گرفتند، مانند هویت خود را به عنوان بخشی از ازدواج خود، اینکه چگونه خود را می‌بینند، چگونه معتقدند دیگران آن‌ها را می‌بینند و اینکه آیا تصمیم به طلاق توسط آن‌ها به عنوان یک شکست تلقی می‌شود یا خیر.
بل <sup>۱۴</sup>	۲۰۲۰	کیفی	در نظر گرفتن فرزندان و امور مالی در تصمیم‌گیری طلاق	فرزندان و امور مالی نه تنها دلیلی برای ماندن در ازدواج هستند، بلکه دلایلی هستند که افراد برای اینکه چرا به ترک ازدواج علاقه مند هستند ارائه می‌دهند. همچنین جزئیات بیشتری نحوه توجه افراد به فرزندان و مسائل مالی در تصمیم‌گیری طلاق گزارش شده است.
هریس، کراپتری <sup>۱۵</sup> ، بل <sup>۱۶</sup> ، آلن <sup>۱۷</sup> و رابرتز <sup>۱۸</sup>	۲۰۱۷	کیفی	جستجوی شفافیت در فرایند تصمیم‌گیری طلاق	در مورد دو مفهوم وضوح و اطمینان در فرایند تصمیم‌گیری طلاق از شرکت کنندگان در تحقیق سوال کردند که سه موضوع اصلی از داده‌ها پدیدار شد: ۱- وضوح تصمیم برای طلاق یا ماندن در ازدواج مورد نظر است، که نوسان دارد و یافتن آن زمان می‌برد ۲- لحظات محوری می‌توانند وضوح ایجاد کنند و ۳- اطمینان در تصمیم نهایی مورد نظر است.
فاکرل <sup>۱۹</sup>	۲۰۱۲	کیفی	سرگردانی در بیان: مطالعه تئوری پایه‌ای در مورد	یافته‌های بیانگر آن هستند که فرایند تصمیم‌گیری برای طلاق یا آشتی می‌تواند آشفته یا گیج کننده باشد اما شرکت کنندگان احساس کردند که لازم است خود و دیگران این روند را تحمل کنند. یک رابطه بد راه مستقیمی را برای طلاق ارائه نمی‌دهد زیرا ازدواج جدا از رابطه

- 10 Harris  
11 Fenske  
12 Baer  
13 Dick  
14 Bell  
15 Crabtree  
16 Bell  
17 Allen  
18 Roberts  
19 Fackrell

<p>ملاحظات و ویژگی‌های خاص خود را دارد و عوامل مختلفی همچون تاثیرات عاطفی و فیزیکی، فرزندان، دوستی و خاطرات مثبت با همسر، دین و دعا و امید، تعهد به ازدواج، تایید اجتماعی، حمایت خانواده و دوستان و امور مالی در این امر دخیل هستند.</p>	<p>فرایند تصمیم‌گیری طلاق یا آشتی</p>			
<p>حتی زوج‌هایی که در سال‌های اول بسیار موفق هستند، اگر مبادلات بین فردی آنها به خوبی تنظیم نشده باشد، می‌توانند در معرض انحلال بعدی قرار بگیرند. و حدس آن‌ها بر این بود که به طور متناقض، بسیاری از نقاط قوت این زوجها ممکن است مسئولیت‌های بین فردی قوی آن‌ها را پنهان کند و چالش‌هایی را برای مداخلات آموزشی طراحی شده برای کمک به این زوجها ایجاد کند.</p>	<p>چرا تازه عروس‌های راضی در نهایت به طلاق ختم می‌شوند؟</p>	<p>کمی</p>	<p>۲۰۱۲</p>	<p>لانر<sup>۲۰</sup>، بردبری<sup>۲۱</sup></p>

مروری بر تحقیقات داخلی و خارجی صورت گرفته نشان دهنده آن هست که تحقیقاتی که به صورت ویژه در زمینه شکل‌گیری فرایند طلاق انجام شده است به تعداد بسیار اندکی به روش کیفی بوده است. بنابر این یکی از نوآوری‌های تحقیق حاضر اتخاذ راهبرد کیفی می‌باشد نوآوری دیگر تحقیق با توجه به مرور پیشینه بیانگر آن است که فرایند طلاق یک فرایند مختص و ثابت نبوده و طلاق تحت تاثیر عوامل مختلفی می‌باشد و در بسترها و زمینه‌های مختلف دارای الگوی متفاوتی از شکل‌گیری می‌باشد. بنابراین تحقیق حاضر به دنبال شناسایی فرایند طلاق در بستر جدید از تحقیقات داخلی صورت گرفته یعنی شهر طبس می‌باشد که یک الگوی بومی برای این شهر ارائه دهد و در نهایت مهم‌ترین نوآوری تحقیق حاضر در این است که این پژوهش به دنبال واکاوی فرایند طلاق در دوران گذار از سنت به مدرنیته جامعه‌ی ایران می‌باشد که این گذار با خود تغییراتی را به همراه داشته لذا شناسایی این تغییرات بر فرایند طلاق حائز اهمیت است که تحقیقات پیشین به این امر نپرداخته اند.

## روش تحقیق

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و روش نظریه زمینه‌ای است که در سال ۱۴۰۰-۱۴۰۲ در شهر طبس انجام شد. مشارکت‌کنندگان پژوهش افرادی بودند که درخواست طلاق خود را در سامانه تصمیم ثبت کرده و برای

غربالگری طلاق مراجعه می‌کردند و بعد از غربالگری وارد روند مشاوره شده بودند. معیار ورود از آغاز تحقیق تعریف شد: درخواست طلاق باید از جانب زوجه می‌بود و پرونده نیز وارد روند مشاوره شده بود. بنابراین به روش نمونه‌گیری هدفمند مطالعه انجام شد. در مرحله بعدی نمونه‌گیری نظری انجام شد. نمونه‌گیری نظری عبارت است از فرایند گردآوری داده‌ها برای نظریه‌پردازی که از این طریق تحلیل‌گر به صورت همزمان داده‌هایش را گردآوری، کدگذاری، و تحلیل می‌کند و تصمیم می‌گیرد که چه داده‌هایی را در مرحله بعدی گردآوری و آن‌ها را کجا پیدا کند تا به این طریق نظریه‌اش را در حین شکل‌گیری‌اش تدوین کند. نظریه در حال تدوین فرآیند گردآوری داده‌ها را کنترل می‌کند. نمونه‌ها در اینجا حکم نمایا و معرف بودن با جامعه آماری را ندارند؛ بلکه از این حیث اهمیت دارند که به برساختن پدیده مورد بررسی و تدوین نظریه کمک کننده می‌باشند (شاه‌بختی، شفیعی‌آبادی، حسنی و جاجرمی، ۱۳۹۸: ۲۵۲). با معیار قرار دادن اشباع داده‌ها یعنی زمانی که افراد نمونه، دیگر چیزی به داده‌ها اضافه نکنند و داده‌ها تکرار شوند. که در پژوهش حاضر تعداد ۲۴ نفر که در بازه زمانی اسفند ماه ۱۴۰۰ تا خرداد ماه ۱۴۰۲ درخواست طلاق داده بودند، به عنوان مشارکت‌کنندگان وارد مطالعه شدند. ۸۳ درصد مشارکت‌کنندگان متارکه و ۱۷ درصد آنان مستقل بودند و ۴۲ درصد مشارکت‌کنندگان بدون فرزند و ۵۸ درصد آن‌ها حداقل یک فرزند را دارا بودند و ۴۲ درصد مشارکت‌کنندگان مدت زمان زندگی مشترک آنان کمتر از پنج سال بوده است و ۲۱ درصد مدت زمان زندگی مشترک آن‌ها بین ۵ تا ۱۰ سال بوده و ۳۷ درصد مشارکت‌کنندگان بیشتر از ده سال زندگی مشترک داشتند. (جدول ۳).

جدول ۳. ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان در تحقیق

شماره مشارکت‌کننده	سن	تحصیلات	تعداد فرزند	وضعیت	مدت زمان زندگی مشترک	شماره مشارکت‌کننده	سن	تحصیلات	تعداد فرزند	وضعیت	مدت زمان زندگی مشترک
۱	۲۳	دیپلم	۱	متارکه	۳ سال	۱۳	۳۹	راهنمایی	۱	متارکه	۶ سال
۲	۴۳	ابتدایی	-	مستقل	۹ سال	۱۴	۲۷	فوق دیپلم	-	متارکه	۱۰ ماه

۱۹ سال	متارکه	۱	راهنمایی	۴۵	<u>۱۵</u>	۲ سال	متارکه	-	دیپلم	۴۴	<u>۳</u>
۱۸ سال	متارکه	۳	راهنمایی	۳۷	<u>۱۶</u>	۱۷ سال	متارکه	۳	راهنمایی	۳۵	<u>۴</u>
۶ سال	متارکه	-	راهنمایی	۲۸	<u>۱۷</u>	۴ ماه	متارکه	-	محصل	۱۷	<u>۵</u>
۲۱ سال	متارکه	۲	راهنمایی	۵۱	<u>۱۸</u>	۱۳ سال	متارکه	۲	دیپلم	۴۴	<u>۶</u>
۹ سال	متارکه	۱	لیسانس	۳۴	<u>۱۹</u>	۱۰ سال	مستقل	۳	دیپلم	۳۰	<u>۷</u>
۱ سال	متارکه	-	راهنمایی	۳۵	<u>۲۰</u>	۱۲ سال	متارکه	۱	لیسانس	۳۴	<u>۸</u>
۳ سال	مستقل	-	ارشد	۳۹	<u>۲۱</u>	۱۱ ماه	متارکه	-	محصل	۲۰	<u>۹</u>
۱۱ سال	مستقل	۲	لیسانس	۳۷	<u>۲۲</u>	۱۳ سال	متارکه	۱	ابتدایی	۳۵	<u>۱۰</u>
۳ سال	متارکه	-	راهنمایی	۱۸	<u>۲۳</u>	۱۴ سال	متارکه	۲	ابتدایی	۳۶	<u>۱۱</u>
۴ سال	متارکه	-	دیپلم	۲۳	<u>۲۴</u>	۱ سال	متارکه	-	فوق دیپلم	۲۴	<u>۱۲</u>

بعد از هماهنگی با مشارکت کننده زمانی برای مصاحبه تعیین می‌شد. داده‌ها به صورت مصاحبه نیمه ساختار یافته جمع‌آوری شد. مهم‌ترین سوالات مصاحبه‌ها عبارت بود از: علت طلاق شما چیست؟ چه عواملی موجب شد تا تصمیم به طلاق بگیرید؟ چه اقدامات و رخدادهایی موجب شد تا در تصمیم به طلاق خود جدی باشید؟ چه شرایطی به وجود آمد تا شما فکر طلاق خود را عملی کنید؟ در چه صورت شما از ادامه روند طلاق منصرف می‌شوید یا در چه شرایطی شما زودتر اقدام به طلاق می‌کردید؟ آیا موانعی بر عملی کردن تصمیم شما وجود داشته است؟ تحلیل داده‌ها با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای اشتروس و کوربین انجام شد. بدین منظور سه مرحله کدگذاری انجام گرفت: الف) کدگذاری باز که فرایندی تحلیلی است و از طریق آن مفاهیم شناسایی شده و ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها در داده‌ها کشف می‌شوند. ب) کدگذاری محوری فرایند ربط دهی ابعاد در سطح ویژگی

و ابعاد است و در نهایت ج) کدگذاری گزینشی که فرایند یکپارچه سازی و بهبود مقوله‌ها می‌باشد (اشتراوس<sup>۲۲</sup> و کوربین<sup>۲۳</sup> ۱۹۹۰) مورد تحلیل قرار گرفت.

به منظور اطمینان از پایایی و روایی تحقیق حاضر یا به عبارت دیگر دقیق بودن یافته‌ها، اقدامات زیر صورت پذیرفت:

۱) مناسب بودن نمونه: تمام تلاش پژوهشگران بر آن بودن که آزمودنی‌هایی انتخاب شوند که بهترین اطلاعات و دانش را در مورد موضوع مورد پژوهش دارند.

۲) حساسیت پژوهشگران: با توجه به اینکه مطلوبیت تحقیق کیفی، فقط به مطلوبیت پژوهشگر کیفی بستگی دارد، پژوهشگران تلاش نمودند که با حساسیت، انعطاف پذیری، خلاقیت و مهارت این پژوهش را انجام دهند.

۳) انسجام روش شناسی: تلاش شد تا بین عناصر شیوه پژوهش و سوالات پژوهش همسویی لازم برقرار باشد.

در راستای اعتبار نهایی الگوی ارائه شده با توجه به نظرات کرسول<sup>۲۴</sup> (۲۰۱۲) از دو روش بازبینی مشارکت کنندگان و مرور خبرگان غیر مشارکت کننده در تحقیق استفاده شد؛ بدین ترتیب از یک نفر از اساتید گروه جامعه‌شناسی، یک نفر از مشاورانی که در خصوص طلاق مراجع می‌بینند درخواست شد تا نظرات خود را بیان کنند که پس از دریافت نظرات اصلاحی و اعمال آن‌ها الگو نهایی تحقیق انجام شد.

### یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر براساس تحلیل‌های انجام گرفته در کدگذاری نظری، داده‌ها تجزیه و تحلیل شد و در قالب ۱۰ مقوله اصلی، ۲۷ مقوله فرعی و بیشتر از ۱۳۵ مفهوم دسته بندی گردید که در مدل پارادایمی به تفکیک؛

---

22 Strauss  
23 Corbin  
24 Creswell

شرایط علی، شرایط مداخله‌ای، شرایط زمینه‌ای و پیامدها به آن‌ها اشاره شده است. جدول ۴ خلاصه‌ی مفاهیم و مقولات آمده است.

جدول ۴. مفاهیم، مقولات فرعی و مقولات اصلی مرتبط با دلالت زنان در خواست کننده طلاق

مفهوم اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم
تزلزل چند بعدی خانواده	تزلزل اقتصادی تزلزل اجتماعی اختلالات مشکلات پهن گستر	بیکاری، بی مسئولیتی مالی، چشم و هم چشمی، ورشکستگی مالی، نگرش ابزاری به همسر، خسیس بودن، بر آورده نشدن نیازهای مالی، اختلاف اقتصادی بین زوجین و خانواده‌هایشان، زندانی بودن همسر، خشونت، ضرب و شتم، دخالت اطرافیان، اعتیاد، ارتباط با دوستان ناباب، اختلاف طبقاتی و فرهنگی، مرد سالاری، نداشتن مسکن مستقل، نارضایتی از توزیع قدرت، بی‌ثباتی شغلی، خیانت، آشکار شدن روابط جنسی قبل از ازدواج، روابط فرازنشویی، استفاده زیاد از فضای مجازی، اختلالات، نارضایتی جنسی، اختلالات جنسی، اختلالات شخصیتی، اختلالات روانی، اختلافات خلقی
خود محوری	خودمحوری ارزشی تشدید هنجارات فرا سنت	عدم تفاهم در اهداف، درک متفاوت از زندگی، اختلاف در تصمیم‌گیری، تمایل به آزادی و تنهایی، عدم لذت از زندگی، ازدواج برای به دست آوردن آزادی بیشتر، نرسیدن به خواسته‌ها و آرزوها، تصور متفاوت و آرمانی از ازدواج و نبود آن، جدایی برای کیف کردن بعد از ازدواج، عدم علاقه به فرزندآوری، درخواست یا گرفتن مهریه، پذیرا نشدن مسولیت زندگی توسط فرد
فروپاشی حرمت‌های مفروض	عدم اعتماد به یکدیگر خارج شدن مسائل از چارچوب خانواده تکرار اشتباه و سوخت فرصت قیاس در زندگی	دروغگویی پیاپی، کلنجار ذهنی نسبت به یکدیگر، بی توجه بودن به یکدیگر، تهمت‌زدن‌های بسیار، باز شدن مسائل به خانواده‌ها، دخالت والدین بر جدایی، در جریان قرار گرفتن همکاران و دوستان، بخشیدن اشتباه و تکرار مجدد، مقایسه کردن زندگی خود با دیگران، مقایسه شرایط خود با قبل از ازدواج، منتج نبودن تلاش برای حل مسائل
بروز تعارضات	علنی شدن تنش و فشارهای زندگی تشدید تنش‌ها	قهر کردن پیاپی و ه‌شتی دادن، در زیر یک سقف نبودن، جدا بودن طولانی مدت، حالت روحی نامساعد، خودکشی، افسردگی، اضطراب و استراس طولانی، باز شدن رو به همدیگر، نبود احترام در زندگی و آشکار شدن آن، نبود قوانین و مقررات در زندگی، ضرب و شتم
اقدامات قانونی	گرفتن وکلات طلاق تشکیل پرونده در مراجع قضایی	گرفتن حق طلاق در پروسه تنش‌دار زندگی، گرفتن حق طلاق قبل از عقد، پرونده شکایت به دلایل مختلف در نیرو انتظامی خشونت، فحاشی و ...، شکایت به دلیل عدم پرداخت نفقه، تشکیل پرونده به دلیل مهریه، تشکیل پرونده در پزشکی قانونی، تشکیل پرونده در شورای حل اختلاف و دادگاه
تسهیل‌سازی طلاق	جلب رضایت خانوادگی حل موانع اقتصادی و اجتماعی کسب حمایت	تلاش برای همراهی کردن همسر در پروسه طلاق، ممانعت فرزندان از طلاق والدین و راضی کردن آن‌ها، اسرار خانواده همسر به ماندن و بی تفاوت شدن به آن، ازدوجات فامیلی و مانع شدن فامیل از طلاق و جلب رضایت آن‌ها یا بی تفاوت شدن به آن، تامین هزینه‌های زندگی بعد از طلاق، اطمینان از تامین مسکن مستقل، اشتغال زن، حضانت فرزندان توسط زن و پرداختن نفقه توسط مرد، برآورده شدن نیاز مالی فرزندان بعد از طلاق، استقلال مالی زن، حمایت مالی، بیان دلیل قانع‌کننده برای طلاق بودن، جلب موانع شغلی، پررنگ شدن نقش نفر سوم رابطه برای حمایت مالی و عاطفی

<p>غلبه بر ترس اثم از: ترس از تصمیم درست، ترس از حمایت نشدن، ترس از اذیت کردن و مزاحم شدن پس از طلاق، ترس از عدم حمایت، ترس از آینده فرزندان. خودباوری، اعتماد به نفس، توان مواجهه با مشکلات، اتکا به خود و توانایی تنهایی زندگی کردن. تایید پذیری: تایید خانواده برای طلاق، تایید فرزندان برای جدایی، تایید متمر ثمر نبود این زندگی توسط مشاور و شورای حل اختلاف، تایید دیگران</p>	<p>غلبه بر ترس خود باوری تایید پذیری</p>	<p>هراس گریزی طلاق</p>
<p>قبول نداشتن مشاوره برای حل مسائل، نگاه کردن به مشاوره به عنوان مانع طلاق، اعتقاد به مشکل فراتر از توان مشاوره، ثمر نداشتن مشاوره، همکاری نکردن یکی زوجین، انجام ندادن تکنیک‌های مشاوره، پیگیر نشدن جلسات مشاوره، سنگین بودن هزینه مشاوره، بی رغبتی به جلسات، کم تجربه بودن مشاور عدم تخصص کافی در حیطه مشکل فرد، قبول نداشتن خود مشاور، تجربه مشاوره قبل از اقدام به طلاق در زندگی خانوادگی و ثمر نداشتن آن، نگاه به مشاور به عنوان تایید این تصمیم</p>	<p>عدم اعتقاد به مشاوره عدم همکاری در مشاوره ضعف مشاور</p>	<p>ضعف مشاوره</p>
<p>سو ظن به ازدواج، تصمیم‌گیری سخت برای زندگی بعدی، زمان بر بودن پرسه کنار آمدن با طلاق، مشکلات جنسی و عاطفی بعد از طلاق، حالت روحی آزاردهنده، عدم اعتماد به مردان، مشکلات گرفتن نفقه و مهریه، دیدگاه منفی جامعه سنتی به زنان، مزاحمت‌ها برای زنان، نگاه متفاوت به زندگی و ازدواج، مشکلات جسمانی و اجتماعی فرزندان، تنها بودن و تمایل به مجرد زیستن، شکل‌گیری ارتباطات خارج از مذهب و سنت، نگاه به ازدواج به عنوان مانع اهداف، اشتغال سخت زنان مطلقه، تامین مسکن و هزینه‌های زندگی، افزایش خانواده تک والدی</p>	<p>چالش‌های فردی چالش‌های اجتماعی</p>	<p>چالش‌های پسا طلاق</p>
<p>ریختن قبح طلاق، طلاق تصمیم شخصی زندگی، نگاه متفاوت جامعه مدرن به ازدواج و زندگی، حمایت خانواده از طلاق فرزندان، دیدن طلاق به عنوان بهترین راه حل</p>	<p>ریختن قبح طلاق نگاه متفاوت به طلاق</p>	<p>حساسیت‌زدایی اجتماعی طلاق</p>

### شرایط علی:

شرایط علی همان شرایط اولیه‌ای هستند که در پاسخ به این سوالات مطرح می‌شود. چرا می‌خواهید از همسرتان جدا شوید؟ علت اصلی طلاق شما چیست؟ لطفا در این باره توضیح دهید

در پاسخ به این سوالات دو مقوله گزینشی شکل گرفت (۱) **تزلزل چند بعدی خانواده** به مسائلی اشاره دارد که از دیر پا به عنوان مسائل اختلاف بر انگیز یک زندگی زناشویی مطرح می‌شود که در هنگام مطرح شدن آن توسط فرد متقاضی طلاق، برای فردی دیگر معمولاً به عنوان یک دلیل منطقی بر شمرده می‌شود و آن دلایل خانواده را با گسست و تزلزل مواجه ساخته است و کارکردهای اولیه خانواده را با اختلال رو به رو

کرده است که می‌توان به مواردی از جمله: الف) مسائل و مشکلاتی که نیازهای اولیه یک پیوند زناشویی را پوشش نمی‌دهد همانند مسائل جنسی و اختلالات مرتبط به آن، مشکلات روانی و شخصیتی و خلقی افراد که ادامه زندگی را برای افراد در کنار یکدیگر با مشکل مواجه می‌سازد.

«مشارکت‌کننده شماره ۷: ... وقتی عصبی میشه اصلا دست خودش نیست هرچی جلوی دستش باشه خورد میکنه، هیچی از جهیزیم سالم نداشت، همش می‌ترسم توی اون لحظه یه چیزی به من برخورد کنه، ضربه ای بخورم یا ناقصم کنه...» «مشارکت‌کننده شماره ۲۲: از همون اول توی مسائل جنسی با هم مشکل داریم، نسبت به من سرد هست و تمایل جنسی کمی داره...»

ب) تزلزل اجتماعی خانواده به مسائلی اشاره دارد که بنیان خانواده را با چالش‌هایی مواجه شده است که منشا اجتماعی داشتن آن در افراد نمود بیشتری پیدا می‌کند و پیوند خوردن آن معمولاً با عوامل اجتماعی می‌باشد که شامل مسائلی همچون اعتیاد، زندانی بودن همسر، مردسالاری، دخالت اطرافیان و ... است.

«مشارکت‌کننده شماره ۱۶: ... سال اولی که با هم عقد کردیم اقا دزد در اومد به جرم سرقت بردنش زندان بعد هم که از زندان اومد بیرون هنوز چند ماه نگذشت دوباره هم رفت زندان بازم علتش دزدی، این اواخر که دیگه از داداشم دزدی کرده بود و خرید و فروش موادم داشت که رفت زندان...»

ج) تزلزل اقتصادی به امور مالی اشاره دارد که در شرایط در حال حاضر جامعه و تنگناهای اقتصادی، به عنوان یک عامل اصلی اختلافات زناشویی و مشکلات چرخه زندگی مطرح می‌شود.

«مشارکت‌کننده شماره ۱۱: ... صد تا کارعوض کرده و به بهانه‌های مختلف میاد بیرون، زندگی هم

اخه خرج داره تا کی روم میشه قرض کنم؟ تا کی برم از در مغازه نسیه بردارم..»

۲) **خود محوری:** مقوله خودمحوری به مسائل جدیدی اشاره دارد که نشان‌دهنده تغییرات اجتماعی،

نگرشی و ارزشی افراد جامعه است که با فرهنگ و ارزش‌ها و تفکرات جامعه سنتی همخوانی ندارد و مورد



پذیرش قرار نمی‌گیرد ولی در جامعه‌ای که به سمت مدرن شدن است پذیرش این امور در حال رواج است و افراد به عنوان عامل اصلی طلاق خود مطرح می‌کنند. معمولاً این عوامل نمود خارجی ندارد و محور آن خود فرد است که احساس این را دارد که انتظاراتش از زندگی زناشویی برآورده نمی‌شود، تصوراتش از تشکیل خانواده متفاوت بوده و برای خانواده معنای متفاوت‌تر از گذشتگان برمی‌شمرد و به دنبال رضایت خاطری است که خود فرد ملاک آن را تعیین می‌کند و پایبند به کارکردهای قدیم خانواده نیست. و گاهی کارکرد جدیدی چه مثبت چه منفی برای ازدواج بر می‌شمرد.

«مشارکت‌کننده شماره ۲۱: ... کلا اهدافمون متفاوت تر از هم هست من یجوری فکر می‌کنم اون جور دیگه، من فرزند آوری رو خود خواهی میدونم و تمایلی ندارم به بچه اون خیلی اسرار به آوردن بچه داره...» «مشارکت‌کننده شماره ۱۸: ... دیگ هرچی زندگی کردم بستمه، تا کی می‌خوام در گیر اون باشم، می‌خوام راحت باشم می‌خوام برم مجردی و خوشگذرانی، می‌خوام از چند سال دیگ عمرم لذت ببرم اونجورکه خودم می‌خوام...»

### شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای به بستری گفته می‌شود که زمینه اقدام به طلاق در آن شکل می‌گیرد که در پژوهش حاضر سه مقوله اصلی، فروپاشی حرمت‌های مفروض، بروز تعارضات و اقدامات قانونی احصاء شد. فروپاشی حرمت‌های مفروض به این امر اشاره دارد که دیگر آن چارچوب سابق خانواده برای فرد وجود ندارد و همانند سابق نمی‌تواند مرزها را تفکیک کند و همچنین حرمت‌هایی که در بین زوجین وجود داشته است از بین رفته است که این امر با اتفاقی همچون تکرار اشتباه همسر به کرات، عدم اعتماد به همدیگر، بررسی سود و زیان زندگی و سنگین قرار گرفتن زیان‌ها از دیدگاه فرد، ماندن به اجبار با پادرمیانی کردن خانواده‌ها، به نتیجه ختم نشدن تلاش‌ها برای حفظ زندگی، مورد قیاس قرار دادن زندگی و شرایط بهتری با حال حاضر و خارج شدن مسائل از چارچوب زندگی رقم می‌خورد. و هنگامی که اختلافات تشدید می‌یابد

تعارضات نیز بروز می‌کنند و زندگی افراد با تنش‌ها، جرو بحث‌ها، ضرب و شتم، قهر و آشتی‌های پیاپی در زندگی، متارکه‌های طولانی مدت، نبود احترام و قوانین و مقرارت زندگی همراه می‌شود. که این عوامل موجب آن می‌شود که زمینه را برای فرایند طلاق هموارتر کند و تمایل افراد را برای جدایی بیشتر کند و عامل سومی که زمینه را برای شکل‌گیری فرایند طلاق هموارتر می‌کند وجود اقدامات قانونی افراد است که با تشکیل پرونده در مراجع قضایی بنا به دلایل مختلف همچون، پرداخت نفقه، ضرب و شتم، اجرا گذاشتن مهریه و گرفتن حق طلاق و یا داشتن آن در ابتدای زندگی است که موجب می‌شود افراد با قرار گرفتن در این روندها بیشتر به سمت جدایی سوق دهد و قدم مهمی برای فراهم کردن فضای اقدام فرد به طلاق باشد.

«مشارکت‌کننده شماره ۴: ... خیلی با خودم فکر می‌کنم می‌بینم این زندگی دیگه به درد نمی‌خوره، دیگه خیلی بهم ریختم، هر راهی رو که فکر کنید رفتم ولی فایده نداره، شررش برام بیشتره، بیشتر توی آسپیم روح و روانم بهم ریختس...» «مشارکت‌کننده شماره ۱۳: بارها ازش شکایت کردم، بارها رفتم دادگاه و هر دفعه می‌ومده که پشیمونم، غلط کردم، اشتباه کردم سری آخری که رفتم دیگ گفتم باشه بر می‌گردم ولی توکه میگی دیگه تکرار همیشه برای اینکه مطمئن شم تکرار نمی‌کنی بیا حق طلاق رو بده اینجوری ازش حق طلاق گرفتم ولی دو ماه خوب بود باز دوباره شروع کرد...»

### شرایط مداخله‌ای

شرایط مداخله‌ای به شرایطی گفته می‌شود که به صورت جدی در شکل‌گیری تقاضای طلاق وجود داشته و روند طلاق را سرعت می‌بخشند که در پژوهش حاضر سه مقوله اصلی شناسایی شد که شامل ضعف مشاوره‌ای، تسهیل‌سازی طلاق، هراس‌گریزی طلاق.

۱) **ضعف مشاوره‌ای:** مشاوره یکی از عواملی است که بر درخواست طلاق توسط زوجه تاثیر گذار است به گونه‌ای که اگر جلسات مشاوره مثمر ثمر واقع شود فرد سازش می‌کند و به زندگی خود باز می‌گردد ولی زوجه‌هایی هستند که در خواست طلاق خود را ثبت می‌کنند و پرونده آن‌ها وارد فاز مشاوره می‌شود ولی به سازش ختم نمی‌شود به چند دلیل این عدم سازش پرونده اتفاق می‌افتند یکی آن که مشکل آنها در تخصص و تجربه مشاور نبوده و یا با مشاوره قابل درمان نیست دومین مورد همسر خانم یا خود زوجه در روند مشاوره همکاری نداشته و از پیگیری کردن جلسات مشاوره و همکاری با مشاور اجتناب می‌کند و سومین دلیل اصلا فرد به مشاوره اعتقادی نداشته و برای او پایان راه قبل از مشاوره انجام شده است و یا گاهی به دلایل متعددی افراد برای تایید اینکه جدا شوند به مشاور مراجعه می‌کنند نه با دید اینکه با جلسات مشاوره اختلافات آن‌ها حل شود. لذا پرونده وی در مرکز مشاوره به عدم سازش یا سازش مشروط ختم می‌شود.

«مشارکت کننده شماره ۱۰: ... وقتی من تصمیمم رو گرفتم که از همسرم جدا بشم چه لزومی دیگه به مشاوره هست...» «مشارکت کننده شماره ۱۰: ... دیگ آب از سرم گذشته کار من دیگه با مشاوره حل نمیشه، اصلا نمیخوام دیگه ببینمش چه برسه به اینکه بخوام باهش جلسات مشاوره بیا.»

## ۲) تسهیل‌سازی طلاق:

زوجه برای جدا شدن به صورت معمول با موانعی رو به رو هست از اولین مانع می‌توان به مانع خود همسر برای طلاق اشاره کرد که زوج حاضر به طلاق همسر خود نیست موانع خانوادگی دیگر شامل خانواده‌ها که با جدا شدن زوجین بنا به دلایل متعددی از جمله آبرو و .. مخالفت می‌کنند و یا خود فرزندان که مانع جدا شدن والدین خود می‌شوند بنابراین فرد درخواست دهنده طلاق به صورت معمول برای جدا شدن به دنبال رضایت این افراد هست. به غیر مانع خانوادگی، موانع اقتصادی و اجتماعی همچون شاغل نبودن خانم و چگونگی تامین هزینه‌های زندگی به ویژه زمانی که فرد حمایت کننده‌های قوی در این زمینه نداشته باشد و یا از دست دادن

همان حمایت‌های اندکی که توسط دیگران دریافت می‌کرده است، نبود شغل یا وجود فرزندان کوچک و گرفتن حضانت آن‌ها و چگونگی سرپرستی آن‌ها و مرتفع کردن نیاز آن‌ها و ... نیز عامل‌های مهمی برای جلوگیری از طلاق افراد به شمار می‌آید که فرد متقاضی طلاق به دنبال آن بوده است که این موانع را مرتفع سازد تا روند طلاق را برای خود تسهیل سازد. لذا بعد از مرتفع‌سازی نیازها به صورت معمول نه حتی کامل فرد مصمم بر درخواست طلاق خود می‌شود.

«مشارکت کننده شماره ۱۵: ... من اگر استقلال مالی داشتم و شغلی می‌داشتم خیلی خیلی زود تر از اینا ازش جدا شده بودم، من حسی بهش ندارم وقتی عشقی بینمون نیست بنظرم باید جدا شد ولی خب این روند تصمیم به طلاق برام زمان بر بود چون باید برای بعد طلاق هم تصمیم می‌گرفتم و شرایط رو در نظر می‌گرفتم...»

### ۳) هراس‌گریزی طلاق:

یکی دیگر از عوامل مهمی که افراد برای درخواست طلاق و تصمیم جدی برای طلاق مرتد می‌کند ترس از بعد طلاق است. به همین دلیل افراد به دنبال آن هستند که بر ترس‌های خود غلبه کنند و به خود باوری برای ادامه زندگی و کنار آمدن با مشکلات و تایید دیگران برای این تصمیم برسند. لذا هنگامی که متقاضی طلاق در درخواست خود مصمم می‌شود تا حدودی از ترس‌های خود عبور کرده است.

« مشارکت کننده شماره ۱۱: ... همیشه می‌ترسیدم از اینکه می‌تونم به تنهایی از پس زندگی بر بیام...»

مشارکت کننده شماره ۱۲: ... ترس داشتم که بعد از طلاق نیاد ابرو ریزی کنه، نیاز مزاحم بشه...» «مشارکت

کننده شماره ۱۹: ... با خودم میگفتم این همه زن طلاق گرفتن، تونستن زندگی کنند چرا من نتونم...»

### پیامدها

طلاق پدیده‌ای است که با خود پیامدهای مختلف در ابعاد فردی و اجتماعی دارد که در پژوهش حاضر دو

مقوله اصلی شناسایی شد (۱) چالش‌های پسا طلاق که به این اشاره دارد که افراد متقاضی طلاق متوجه این

امر بودند که بعد از طلاق با چالش‌های مختلفی از جمله عدم اعتماد به مردان، تصمیم‌گیری سخت و یا تمایل به مجرد زیستن، مزاحمت‌های افراد برای زنان مطلقه یا شکل‌گیری روابط خارج از عرف، سختی در تامین هزینه‌های زندگی و فرزند پروری و موارد دیگر با آن رو به رو خواهند بود.

«مشارکت‌کننده شماره ۳: ... همین حالا هم دیگه نمیتونم به مردها اعتماد کنم بعد از طلاق هم سخت

خواهم تونست به ازدواج مجدد فکر کنم...»

۲) حساسیت‌زدایی اجتماعی طلاق که به این اشاره دارد که طلاق امری رایج شده است و در این امر

خانواده‌ها نیز فرزندان خود را همراهی می‌کنند و جامعه دیگر همانند سابق به پدیده طلاق نگاه نمی‌کند بلکه به عنوان راه حل و نجات از بدبختی نیز قلمداد می‌شود.

«مشارکت‌کننده شماره ۹: ... خانوادم خیلی حمایت می‌کنند برای همین اطرافیانم کم جرئت می‌کنند

چیزی بگن شایدم دلش اینکه چند نفر توی فامیل طلاقی داریم و درک می‌کنند که فردی که داره طلاق می‌گیره در شرایط سختی هست...»

## بحث و نتیجه‌گیری

مرور مفاهیم و داده‌های مشارکت‌کنندگان، محققان را به مفهوم مرکزی طلاقِ پسانت در الگوی پارادایمی

رهنمون شد. طلاقِ پسانت، در گویاترین تعریف، آن نوع طلاقی است که در چارچوب دلایل مرسوم طلاق که

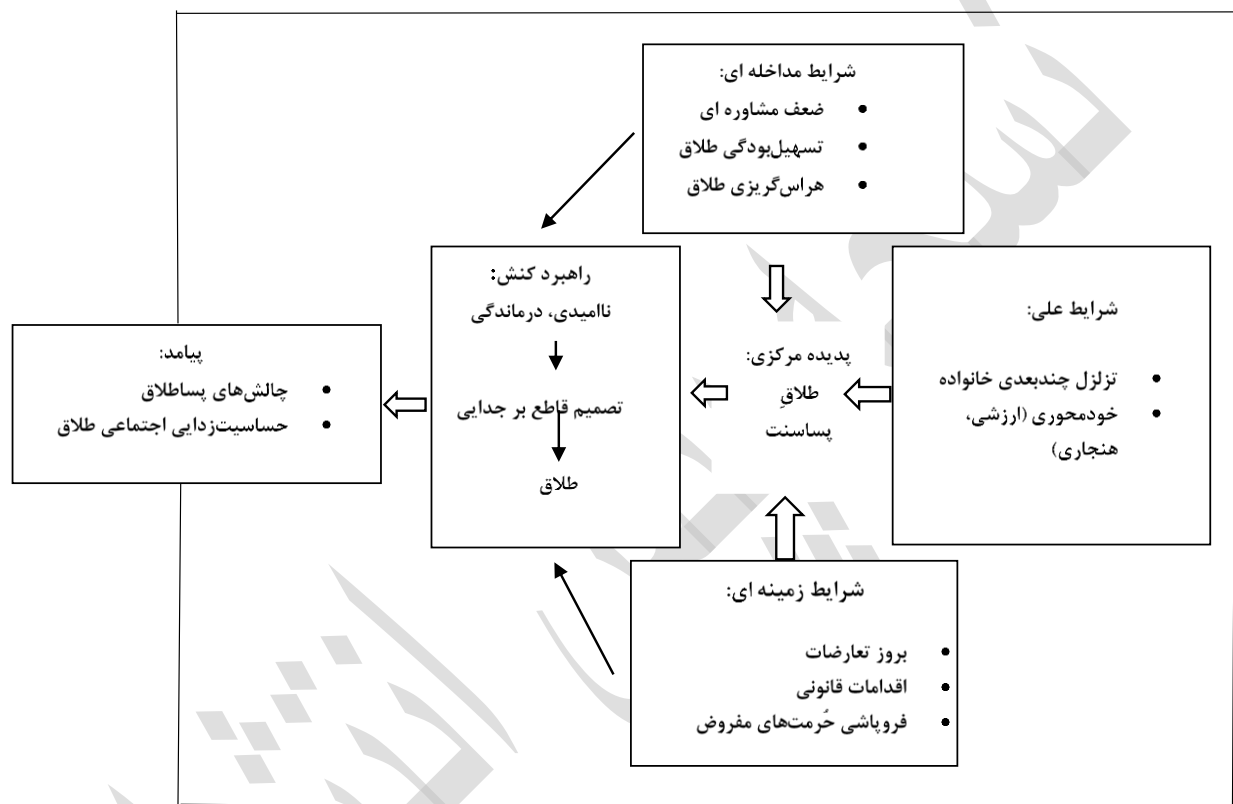
در گذشته مورد بحث و واکاوی محققان و سیاستگذاران اجتماعی بوده نمی‌گنجد. این نوع طلاق، اساساً امری

زنانه و در راستای تغییرات گسترده و عمیق مشارکت‌کنندگان از مفهوم خانواده بر ساخت می‌شود؛ تغییرات در

باورها و هنجارها، انتظارات و حقوق، و موضوعاتی چون مصرف بدن در یک جامعه مدرن. طلاقِ پسانت،

برساختی است اجتماعی از ازدواج در چارچوب سنتی و جدایی در چارچوب فراسنت‌گرایی. در سطحی گسترده‌تر،

طلاق فراسنت در نتیجه تعارض و فاصله‌ی بسیار بین الگوهای سنتی خانواده از یک سو و فهم و درک مشارکت‌کنندگان در تحقیق از این الگوها و بازسازی الگوهای جدید از سوی دیگر به وجود می‌آید (شکل - ۱).



شکل ۱. الگوی پارادایمی از برساخت اجتماعی طلاق پساست

مطابق شکل ۱، مقولات فروپاشی حرمت‌های مفروض، بروز تعارضات و اقدامات قانونی به عنوان شرایط زمینه‌ای طلاق شناسایی شد که بیان‌کننده آن است که خانواده هنگامی که چارچوب خود را از دست می‌دهد و حرمت‌های اولیه به مرور زمان از بین می‌رود و از جانی با تنش‌ها و تعارضات و فشارروحي و روانی و افشای این اختلافات رو به رو می‌شود. در همین راستا فضا و بستر اقدامات قانونی همانند شکایت از یکدیگر، گرفتن حق طلاق، اجرا گذاشتن مهریه و نفقه شکل می‌گیرد که به تشدید تعارضات می‌انجامد. زن متقاضی طلاق، سعی

می‌کند موانعی چون ناراضی بودن خانواده‌ها، فرزندان و یا نبود استقلال مالی، عدم وجود حمایت و.. را از پیش رو بردارد. در نهایت پس از طلاق با چالش‌های پس‌اطلاق همانند مشکلات جنسی و عاطفی، سوءظن به ازدواج، درخواست‌های مکرر برای ارتباطات غیر عرفی و شرعی و مشکلات مرتبط با فرزندان و.. در نهایت حساسیت‌زدایی اجتماعی مانند ریختن قبح طلاق، افزایش حمایت خانواده‌ها برای جدایی فرزندان.

به صورت کلی وجه متمایز یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش‌های قبلی صورت گرفته در خصوص فرایند طلاق همانند: رضایی نسب (۱۴۰۰)، خجسته مهر و همکاران (۱۳۹۹)، احدی و همکاران (۱۳۹۹)، آخوندی و همکار (۱۳۹۸)، شاه بختی و همکاران (۱۳۹۸) و قدرتی و همکار (۱۳۹۴) در این است که این پژوهش به تغییرات بنیادی در علت طلاق در جامعه در حال گذار پرداخته است و همچنین به شفاف سازی اقدامات عملی همانند متارکه، تشکیل پرونده‌های قضایی و... که بر روند طلاق تاثیر گذار هستند نیز اشاره کرده است و نیز روند طلاق را به شرح پرداخته است از سویی دیگر یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش‌های دیگر همانند وطن دوست و حسین زاده (۱۳۹۸) همسو است که در پژوهش آنها اشاره شده است که به دلیل شکسته شدن قبح طلاق، وجود مشکلات ناشی از تمایل جامعه برای حل تعارضات به متخصصین روانشناس و ارجاع به روانشناس در مرحله آخر بحران تعارضات و ... باعث شده که مشاوره چندان موفقیت آمیز نبوده و اثر بخشی آن در سازش چشمگیر نباشد که در پژوهش حاضر در مقوله ضعف مشاوره‌ای اشاره شده است. همچنین با پژوهش کی بل (۲۰۲۰) نیز همسو است که در آن به امور مالی و فرزندان اشاره دارد که در تصمیم‌گیری برای ماندن و تصمیم برای طلاق موثر هستند که در پژوهش حاضر اشاره شده است که ضعف امور مالی و نارضایتی فرزندان به عنوان مانع طلاق هستند که معمولاً افراد برای طلاق خود به تسهیل سازی می‌پردازند. یافته‌های این پژوهش با پژوهش فاکرل (۲۰۱۲) که در آن اشاره شده است که یک رابطه بد راه مستقیمی برای طلاق ارائه نمی‌دهد. ازدواج جدا از رابطه ملاحظات و ویژگی‌های خاص خود دارد و عوامل مختلفی همچون تایید اجتماعی، حمایت خانواده و دوستان، فرزندان، دوستی و خاطرات مثبت با همسران و... نیز در این امر دخیلند همسو می‌باشد.

مدل پارادایمی تحقیق حاکی از حساسیت زدایی از مفهوم طلاق در بستر جامعه دارد. این امر نیازمند شواهد مستحکم نیست، چرا که با نگاهی به زیست بوم حیات خانواده در ایران، به راحتی چنین امری را می‌توان مشاهده کرد. آمار بالای طلاق حاکی از حساسیت زدایی از آن شده است و نکته مهم‌تر آنکه طلاق هم در جامعه ما امری زنانه شده است. یعنی پدیده‌ای که عمدتاً در تاریخ اجتماعی و خانوادگی ایران، از سوی مردان تقاضا می‌شد، امروزه عمدتاً از سوی زنان اتفاق می‌افتد. غیبت مرد ایرانی از این پدیده و گمنامی وی در فرایندهای قانونی طلاق، سوال مهمی را پیش روی سیاستگذاران اجتماعی و فرهنگی می‌گذارد. به راستی چرا مرد ایرانی کمتر دنبال اقدام به طلاق است و زمانی هم که زوجه درخواست طلاق می‌دهد، حضور نه چندان پررنگ وی، چه معنای اجتماعی را برساخت می‌کند؟ چرا خانواده با تزلزل چندبعدی مواجه شده است. این‌ها سوالات مهمی هستند که تحقیقات حوزه خانواده بایستی به آن بپردازند.

از سوی دیگر، تحقیق حاضر نشان می‌دهد که موضوع طلاق و درخواست آن از سوی زنان، با علت‌های جدیدی در حال شکل‌گیری است که در کنار آسیب‌های تعریف شده گذشته مثل اعتیاد همسر، یا عدم تمکن مالی و داشتن شغل و مسائلی از این دست که به مقوله تزلزل چند بعدی خانواده مرتبط است. علت جدید دیگری با عنوان مقوله خود محوری شکل گرفته است که روز به روز از مقوله تزلزل خانواده در حال پیشی گرفتن است. به لحاظ نظری، یافته‌های تحقیق حاضر با نظریه‌های شبکه و مبادله‌سنجیت بیشتری دارد. وقتی یافته‌های تحقیق را با نظریه شبکه مورد تحلیل قرار می‌دهیم، درمی‌یابیم که خانواده در حال طلاق، رابطه خود با اعضا و جامعه را گسسته است. این انفصال درون‌گروهی و اجتماعی، به شکل‌گیری یک هویت اتمی شده از تقاضاکننده طلاق می‌انجامد، که تلاش می‌کند با شرایط نامتعین کنار بیاید و مهم‌ترین راهبرد در این مسیر، رسیدن به طلاق است. خانواده‌ی در حال طلاق، خانواده‌ی گسسته‌ای است که هر کدام از اعضا نسبت خود را با وضعیت موجود و سود-هزینه منتج از این وضعیت، مورد ارزیابی قرار می‌دهد. لذا در چنین شرایطی، ایده‌آل‌های نظام اجتماعی رخت می‌بازند و هر فرد تلاش می‌کند خود را از این بحران و باتلاق رها کند. وضعیتی از بی‌شکلی،



عدم تعین، فروپاشی شبکه‌های درون‌گروهی و اجتماعی، و نارضایتی بر خانواده در حال طلاق حاکم است. از سوی دیگر، یافته‌ها در راستای نظریه مبادله نیز می‌باشد. نه تنها زن متقاضی طلاق، بلکه فرزندان خانواده و همسر، نیز در شبکه‌ای از روابط مبادله‌ای قرار گرفته‌اند. مطابق تحقیق، می‌توان گفت که زنان در این شبکه‌ی مبادله‌ای خود را متضرر احساس می‌کنند و تقاضای طلاق دارند تا بتوانند سود زیست خویش را افزایش دهند. آن‌ها خود را قربانی و آسیب‌پذیر قلمداد می‌کنند که در شبکه‌ی روابط خانوادگی امتیاز خاصی به دست نیآورده‌اند و طلاق راهی است برای به‌دست‌آوردن امتیازات نه در خانواده بلکه در بیرون از خانواده. با وجود این، آنچه دو نظریه مذکور به آن نپرداخته‌اند این است که طلاق صرفاً در بستر شبکه روابط خانوادگی بازتولید نمی‌شود بلکه در شبکه‌ای گسترده‌تر از مفاهیمی مثل مصرف بدن، هویت زنانه، زنانگی از یک سو و رویه‌های فمینیستی از سوی دیگر تعریف می‌شود. و به همین نسبت نیز، مبادله حاکم بر خانواده، امروز به لایه‌های عمیق‌تر در سطح فردی و بستری گسترده‌تر از نسبت خانواده با دیگر شئون زندگی فرد در جامعه مربوط است. سود و هزینه‌ی طلاق به خانواده محدود نمی‌شود بلکه به نگرش فرد نسبت به زندگی اجتماعی، مصرف بدن، امر جنسی و سایر موضوعات مرتبط است. لذا، صورت بندی طلاق در معادلات جدید اجتماعی در حال تغییر است که زن از موجودی وابسته و متعلق به ساختارهای سنتی مثل خانواده و قواعد حاکم بر آن پا را فراتر گذارده و تلاش می‌کند به هر روش که شده از همسر خود جدا شود. نوآوری تحقیق حاضر، مربوط به مضمون خودمحموری است که در آن زن تحت هیچ عنوان نمی‌خواهد راه حلی برای مسئله طلاق خود پیدا کند. چرا که برای خود چارچوب جدیدی از زیست و حیات تعریف می‌کند که با چارچوب‌های سنتی خانوادگی متفاوت است. او متمرکز بر نیازهای نوظهور خود است که از اساس در چارچوب موجود خانواده نمی‌گنجد. به واقع، وقتی چارچوب‌های رایج از علل طلاق را مبنا قرار می‌دهیم، در اینجا ما با نوعی "بی‌علتی طلاق" بر اساس الگوهای سنتی ازدواج و خانواده مواجهیم. طلاق بی‌دلیل، آن شکل از طلاق است که در چارچوب دلایل سنتی طلاق نمی‌گنجد و به فهم زن ایرانی از موضوعات نوظهوری چون زنانگی، بدن، مصرف بدن، و ... مرتبط است. به واقع سوال مهم که تحقیق حاضر پیش روی ما می‌گذارد این است که تعریف زن امروز ایرانی از خانواده چیست و در چه صورت می‌تواند

خود را بر اساس آن چارچوب و تعریف سامان بخشد و در چه صورتی از آن عبور می‌کند. انجام تحقیقات بیشتر در این زمینه پیشنهاد می‌گردد.

## پیشنهادات

- آنچه تحقیق حاضر نتوانست به آن پی ببرد، تأثیر رسانه‌های اجتماعی است که در تحقیقات آتی به آن پرداخته شود.
- مطالعه روی هویت زن ایرانی و مقوله زنانگی، و اکتشاف آن.
- مطالعه کمی و کیفی بر تأثیر نگرش‌های فمینیستی بر تغییرات ارزشی و هنجاری زنان در مورد خانواده
- توجه سیاستگذاران حوزه خانواده و فرهنگ، به یافته‌های تحقیق حاضر، که ارزش‌ها و باورهای زنان نسبت به خانواده در حال تغییرات شتابنده است و متناسب با آن فعالیت‌های تحقیقاتی، رصد تغییرات، و نیز اقدامات سیاستگذارانه ارائه کنند.

## کتابنامه

- احدی، ح.، عبدالمهی، ا.، تاجری، ب. و حاجی علی زاده، ک. (۱۳۹۹). تدوین الگوی مفهومی عوامل شکل دهنده طلاق در پنج سال اول زندگی: یک مطالعه داده بنیاد. *مجله علوم روانشناختی*، ۲۰(۹۷)، 1-12
- اعزازی، ش. (۱۳۸۷) جامعه‌شناسی خانواده، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، چاپ ششم
- آخوندی، م. و همتی، ف. (۱۳۹۸). مطالعه‌ی زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری فرایند طلاق مورد مطالعه: شهر مشهد. *مطالعات فرهنگی-اجتماعی خراسان*، ۱۴(۲)، ۷-۲۹.

تنهایی، ا؛ شکر بیگی، ح. و شکر بیگی، ع. (۱۳۸۷). جهانی شدن تجددگرایی و خانواده در ایران (گذار یا فروپاشی).  
مجله جامعه‌شناختی دانشگاه آزاد واحد آشتیان، (۱۱)، ۳۳-۵۵.

حسینی، م. و کلانتری، م. (۱۴۰۱). فرایند تصمیم‌گیری برای طلاق در دوران کرونا: یک مطالعه‌ی گراند تئوری،  
کنگره علمی دانشجویان روانشناسی، علوم تربیتی و مشاوره

خجسته مهر، ر؛ بهمنی، ا؛ سودانی، م. و عباس پور، ذ. (۱۳۹۹). تبیین فرایند شکل‌گیری طلاق یک پژوهش  
کیفی. مجله دست‌آوردهای روانشناختی (علوم تربیتی و روان‌شناسی)، ۲۷ (۱) (پیاپی ۲۳)، ۴۶-۲۳.

رضایی نسب، ز. (۱۴۰۰). فرایند شکل‌گیری طلاق در بین زنان مطلقه شهر ایلام. مسائل اجتماعی ایران (دانشگاه  
خوارزمی)، ۱۲ (۱)، ۳۳۲-۲۹۹.

ریتزر، ج. (۲۰۰۷). نظریه جامعه‌شناسی دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چاپ  
دوازدهم

ساروخانی، ب. (۱۳۷۶). طلاق، پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن. چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه  
تهران

سرایبی، ح. (۱۳۸۵). تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران،  
(۲) ۱، ۳۷-۶۰.

شاه بختی ز، شفیق آبادی ع، حسنی، ج. و جاجرمی، م. (۱۳۹۸). طراحی مدل مفهوم خانواده در زوجین  
متقاضی طلاق بر اساس نظریه داده بنیاد. پژوهش‌نامه مددکاری اجتماعی، ۵ (۱۵)، ۲۷۸-۲۳۹.

عباس زاده، م؛ سعیدی عطایی، ح. و افشاری، ز. (۱۳۹۴). مطالعه برخی عوامل جریان مدرنیته موثر بر گرایش  
زنان به طلاق (مورد مطالعه: زنان متأهل شهر زنجان). پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران (پژوهش‌های

راهبردی امنیت و نظم اجتماعی)، ۴ (۱) (پیاپی ۹)، ۴۴-۲۵.

فاتحی دهاقانی، ا. و نظری، ع. (۱۳۹۰) تحلیل جامعه شناختی عوامل موثر بر گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان. *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*. جدید (۲۵)، ۱۳-۵۴.

فرهنگی، ع. (۱۳۷۸). مبانی ارتباطات انسانی. تهران: خدمات فرهنگی رسا

فولادیان، م. و شجاعی قلعه نی، م. (۱۳۹۹). مطالعه جامعه شناختی فرایندهای وقوع طلاق. *خانواده پژوهی*، ۱۶ (۶۲)، ۲۳۱-۲۵۷.

قدرتی، ح. و حسینی، ر. (۱۳۹۴). بازسازی معنایی تجربه فرایند منتهی به طلاق در میان زنان مطلقه شهر مشهد با استفاده از رویکرد نظریه مبنایی. *علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، (۲) ۱۲، ۱۹۵-۱۶۹.

کشاوری افشار، ح.؛ قنبریان، ا.، اسکندری، ن. و سعیدی، م. (۱۳۹۸). اثر بخشی درمان مبتنی بر حضور ذهن بر کیفیت زندگی و گرایش به طلاق زوجین تازه ازدواج کرده. *مشاوره و روان درمانی خانواده*، ۹ (۲) (پیاپی ۲۸)، ۳۱-۵۲.

مختاری، م.، میرفردی، ا. و محمودی، ا. (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر میزان گرایش به طلاق در شهر یاسوج. *جامعه شناسی کاربردی (مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان)*، ۲۵ (۱) (پیاپی ۵۳)، ۱۵۷-۱۴۱.

وطن دوست، ع. و حسین زاده، م. (۱۳۹۸). اثر بخشی مشاوره در سازش یا عدم سازش زوجین مراجعه کننده به مراکز طلاق در استان مازندران ۱۳۹۷، *پنجمین کنفرانس بین المللی پژوهش در روانشناسی، مشاوره و علوم*

تربیتی

Amato, P. R. (2001). Children of divorce in the 1990s: an update of the Amato and Keith (1991) meta-analysis. *Journal of family psychology*, 15(3), 355.

Amato, P. R., & Keith, B. (2011). Parental divorce and Adult well-being: A Meta- Analysis. *Journal of Marriage and Family*, 53(1): 43-58.

Bell, N. K. (2020). Considering Children and Finances in Divorce Decision-Making (Doctoral dissertation, University of Minnesota).

Creswell, J.W. (2012). Educational research: Planning, conducting, and evaluating quantitative and qualitative research. 4th Edition. Boston: Pearson Publication.

Doise, W. and Palmonari, A. (1986) «Caractéristique des représentations sociales». Texte de base, l'étude des représentations sociales. Paris.

Fackrell, T. (2012). Wandering in the wilderness: A Grounded Theory study of the divorce or reconciliation decision-making process (Unpublished doctoral dissertation). Brigham Young University, Utah, United States.

Harris, S. Fenske, S. Baer, S. Dick, M (2022) The Impact of Identity on Divorce Decision-Making: A Grounded Theory Study. *Journal of Divorce & Remarriage* 63 (6), 464-481.

Harris, S. M., Crabtree, S. A., Bell, N. K., Allen, S. M., & Roberts, K. M. (2017). Seeking clarity and confidence in the divorce decision-making process. *Journal of Divorce & Remarriage*, 58(2), 83-95.

Lavner, J. A., & Bradbury, T. N. (2012). Why do even satisfied newlyweds eventually go on to divorce?. *Journal of Family Psychology*, 26(1), 1.

Strauss, Anselm, L. & Corbin, J. (1990). Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques, Sage.

# **The Social Construction of Post-Traditional Divorce: A Qualitative Study of Women**

## **Seeking Divorce in Tabas City (2021-2023)**

### **Abstract**

Divorce is still a social problem in the country. Contrary to past theoretical and research approaches, it appears that the rise in divorce rates is influenced by different social factors. The purpose of this research is to discover and analyze the issues faced by women seeking divorce in Tabas city. The study was conducted from March 1400 to June 1402 using a qualitative method and interviews with 24 participants who were purposefully selected. Data analysis was conducted using the grounded theory method. The findings show that the most significant reasons for the occurrence of divorce are the multifaceted deterioration of the family and self-centeredness. Background factors contributing to divorce include the erosion of traditional values, conflicts, and legal proceedings. Intervening factors also include the facilitation of divorce, fear, and the reluctance to seek counseling. The central phenomenon is post-traditional divorce, which indicates the increasing number of divorces initiated by women and the predominance of female reasons for divorce in the context of Iranian society. The post-traditional divorce signifies a decline in the significance of past grievances and reasons for divorce, as well as a shift in women's beliefs and norms regarding family dynamics, leading to fundamental changes in how families are perceived and managed. Women are redefining the concept of family, challenging traditional identities and roles, and introducing new mechanisms within the family. They are also redefining the roles, rights, and expectations of women. Definitions that extend beyond the traditional confines of the family. The most important issue facing families in today's Iranian society.

**Key Words:** Family, feminization, self-centeredness, post-traditional divorce

نسخه  
پیش  
انتشار